

سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ
سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

1. سوره اى حمد (7)

گزیده نکات تفاسیر:

1

(بِسْمِ اللَّهِ) آرم و نشانه‌ی مسلمانی است و باید همه کارهای او رنگ الهی داشته باشد.

حتی اگر حیوانی بدون نام خدا ذبح شود، مصرف گوشت آن حرام است و این رمز آن است که خوراک انسان‌های هدفدار و موحد نیز باید جهت الهی داشته باشد.

(بِسْمِ اللَّهِ) گام اول در مسیر بندگی و عبودیت است.

(بِسْمِ اللَّهِ) مایه فرار شیطان است. کسی که خدا را همراه داشت، شیطان در او مؤثر نمی‌افتد.

(بِسْمِ اللَّهِ) عامل قداست یافتن کارها و بیمه کردن آنهاست.

بیان رحمت الهی در قالب‌های گوناگون، نشانه‌ی اصرار بر رحمت است. (هم قالب «رحمن»، هم قالب «رحیم») "الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ"

2

«رَبِّ» به کسی گفته می‌شود که هم مالك و صاحب چیزی است و هم در رشد و پرورش آن نقش دارد.

مفهوم حمد، ترکیبی از مفهوم مدح و شکر است. «الحمد لله»، بهترین نوع تشکر از خداوند است. هر کس در هر جا، با هر زبانی، هرگونه ستایشی از هر کمال و زیبایی دارد، در حقیقت سرچشمه‌ی آن را ستایش می‌کند.

البته حمد خداوند منافاتی با سپاسگزاری از مخلوق ندارد، به شرط آنکه به امر خداوند و در خط و مسیر او باشد.

5- رابطه‌ی خداوند با مخلوقات، رابطه‌ی دائمی و تنگاتنگ است. «رَبِّ الْعَالَمِينَ» (نقاش و بنا هنر خود را عرضه می‌کند و می‌رود، ولی مربی باید هر لحظه نظارت داشته باشد.)

3

خداوند رحمت را بر خود واجب کرده است. «كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ» «2» و رحمت او بر همه چیز سایه گسترده است.

همچنین پیامبر و کتاب او مایه رحمتند، «رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ» «4» آفرینش و پرورش او براساس رحمت است و اگر عقوبت نیز می‌دهد از روی لطف است.

بخشیدن گناهان و قبول توبه‌ی بندگان و عیب‌پوشی از آنان و دادن فرصت برای جبران اشتباهات، همه مظاهر رحمت و مهربانی اوست.

4

در آن روز تمام واسطه‌ها و اسباب نسبت به کفار قطع می‌شوند. نسبت‌ها و خویشاوندی‌ها نسبت به کفار از بین می‌رود. برای کفار مال و ثروت و فرزندان، سودی ندارند. نه زبان کفار، اجازه عذر تراشی دارد و نه فکر آنها، فرصت تدبیر. تنها راه چاره لطف خداوند است که صاحب اختیار آن روز است.

«یوم الدین» در قرآن به معنای روز قیامت است که روز کیفر و پاداش می‌باشد.

«مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» نوعی انذار و هشدار است، ولی با قرار گرفتن در کنار آیهی «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» معلوم می‌شود که بشارت و انذار باید در کنار هم باشند.

-خداوند متعال، از جهات مختلف قابل عبادت است و ما باید حمد و سپاس او را به جا آوریم. به خاطر کمال ذات و صفات او که «الله» است، به خاطر احسان و تربیت او که «رَبِّ الْعَالَمِينَ» است و به خاطر امید و انتظار رحم و لطف او که «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» است و به خاطر قدرت و هیبت او که «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است.

5

انسان باید به حکم عقل، بندگی خداوند را بپذیرد. ما انسان‌ها عاشق کمال هستیم و نیازمند رشد و تربیت، و خداوند نیز جامع تمام کمالات و ربّ همه‌ی هستی است. اگر به مهر و محبت نیازمندیم او رحمان و رحیم است و اگر از آینده دور نگرانیم، او صاحب اختیار و مالک آن روز است. پس چرا به سوی دیگران برویم؟! عقل حکم می‌کند که تنها باید او را پرستید و از او کمک خواست. نه بنده هوی و هوس خود بود و نه بنده زر و زور دیگران.

در نماز، گویا شخص نمازگزار به نمایندگی از تمام خداپرستان می‌گوید: خدایا! نه فقط من که همه‌ی ما بنده توایم، و نه تنها من که همه‌ی ما محتاج و نیازمند لطف توایم.

خدایا! من کسی جز تو را ندارم «إِيَّاكَ» ولی تو غیر مرا فراوان داری و همه هستی عبد و بنده‌ی تو هستند.

ابتدا باید بندگی خدا کرد، آنگاه از او حاجت خواست. «نَعْبُدُ، نَسْتَعِينُ»

6

«وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْ لَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ» اگر هدایت الهی نبود ما هدایت نمی‌یافتیم. اعراف، 43.

راههای غیر الهی متعددی در برابر انسان قرار دارد که او باید یکی را انتخاب کند:

- راه خواسته‌ها و توقعات‌های خود.
- راه انتظارات و هوس‌های مردم.
- راه وسوسه‌های شیطان.
- راه طاغوت‌ها.
- راه نیاکان و پیشینیان.

• راه خدا و اولیای خدا.

انسان مؤمن، راه خداوند و اولیای او را انتخاب می‌کند که بر دیگر راه‌ها امتیازاتی دارد:

الف: راه الهی ثابت است، بر خلاف راه‌های طاغوت‌ها و هوس‌های مردم و هوس‌های شخصی که هر روز تغییر می‌کنند.

ب: **يك راه بیشتر نیست**، در حالی که راه‌های دیگر متعدّد و پراکنده‌اند.

ج: **در پیمودن آن، انسان به مسیر و مقصد مطمئن است.**

د: **در پیمودن آن، شکست و باخت وجود ندارد.**

راه مستقیم، راه خداست. «إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

• راه مستقیم، راه انبیاست. «إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

• راه مستقیم، راه بندگی خداست. «وَأَنْ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ»

• راه مستقیم، توکل و تکیه بر خداست. «مَنْ يَعْصِمْ بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»

• **راه مستقیم، یکتاپرستی و تنها یاری خواستن از اوست.**

• **راه مستقیم، کتاب خداوند است.**

• **راه مستقیم، راه فطرت سالم است.**

انسان، هم در انتخاب راه مستقیم و هم در تداوم آن باید از خدا کمک بگیرد. مانند لامپی که روشنی خود را هر لحظه از نیروگاه می‌گیرد. «أَهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»

راه مستقیم مراتب و مراحل دارد. حتی کسانی که در راه حق هستند، مانند اولیای خداوند، لازم است برای ماندن در راه و زیاد شدن نور هدایت، دعا کنند. «وَالَّذِينَ اهْتَدَوْا زَادَهُمْ هُدًى»

راه مستقیم یعنی میانه‌روی و اعتدال و احتراز از هر نوع افراط و تفریط، چه در عقیده و چه در عمل. یکی در عقاید از راه خارج می‌شود و دیگری در عمل و اخلاق. یکی همه کارها را به خدا نسبت می‌دهد، گویا انسان هیچ نقشی در سرنوشت خویش ندارد. و دیگری خود را همه کاره و فعال‌میشاء دانسته و دست خدا را بسته می‌داند. یکی رهبران آسمانی را همچون مردمان عادی و گاهی ساحر و مجنون معرفی می‌کند و دیگری آن بزرگواران را در حدّ خدا می‌پندارد.

در عمل نیز یکی غیرت نابجا دارد و دیگری همسرش را بی حجاب به کوچه و بازار می‌فرستد. یکی بخل می‌ورزد و دیگری بی‌حساب سخاوت به خرج می‌دهد. یکی از خلق جدا می‌شود و دیگری حق را فدای خلق می‌کند.

اینگونه رفتار و کردارها، انحراف از مسیر مستقیم هدایت است. خداوند دین پا برجا و استوار خود را، راه مستقیم معرفی می‌کند. در روایات آمده است که امامان معصوم علیهم السلام می‌فرمودند: راه مستقیم، ما هستیم. یعنی نمونه‌ی عینی و عملی راه مستقیم و اسوه و الگو برای قدم برداشتن در راه، رهبران آسمانی

هستند. آنها در دستورات خود درباره‌ی تمام مسائل زندگی از قبیل کار، تفریح، تحصیل، تغذیه، انفاق، انتقاد، قهر، صلح و علاقه به فرزند و ...، نظر داده و ما را به اعتدال و میانه‌روی سفارش کرده‌اند. جالب آنکه ابلیس در همین صراط مستقیم به کمین می‌نشیند.

در قرآن و روایات، نمونه‌های زیادی آمده که در آنها به جنبه‌ی اعتدال، تأکید و از افراط و تفریط نهی شده است. به موارد ذیل توجه کنید:

بخورید و بیاشامید، ولی اسراف نکنید.--در انفاق، نه دست بر گردن قفل کن- دست‌بسته باش- و نه چنان گشاده دستی کن که خود محتاج شوی.--مومنان، به هنگام انفاق نه اهل اسرافند و نه اهل بخل، بلکه میانه‌رو هستند.--نماز را نه بلند بخوان و نه آهسته،--نسبت به والدین احسان کن؛ «و بِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا» -- * اما اگر تو را از راه خدا بازداشتند، اطاعت از آنها لازم نیست.--نه محبت‌ها شما را از گواهی حق منحرف سازد؛ «شُهَدَاءَ لِلَّهِ وَ لَوْ عَلَىٰ أَنْفُسِكُمْ» -- و نه دشمنی‌ها شما را از عدالت دور کند.

مؤمنان هم دافعه دارند؛ «أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ» و هم جاذبه دارند.-- هم ایمان و باور قلبی لازم است؛ «آمَنُوا»* و هم عمل صالح.--هم اشک و دعا و درخواست پیروزی از خدا لازم است؛ «رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا» -- و هم صبوری و پایداری در سختی‌ها. «عِشْرُونَ صَابِرُونَ يَغْلِبُوا مَائِتِينَ» -- شب عاشورا امام حسین علیه السلام هم مناجات می‌کرد و هم شمشیر تیز می‌کرد.

اسلام دین يك بعدی نیست که تنها به جنبه‌ای توجه کند و جوانب دیگر را فراموش کند، بلکه در هر کاری اعتدال و میانه‌روی و راه مستقیم را سفارش می‌کند.

7

این آیه راه مستقیم را، راه کسانی معرفی می‌کند که مورد نعمت الهی واقع شده‌اند و عبارتند از: انبیاء، صدیقین، شهدا و صالحین. «1» توجه به راه این بزرگواران و آرزوی پیمودن آن و تلقین این آرزو به خود، ما را از خطر کجروی و قرار گرفتن در خطوط انحرافی باز می‌دارد.

بنی اسرائیل نیز به گفته قرآن، مورد نعمت قرار گرفتند، ولی در اثر ناسپاسی و لجاجت گرفتار غضب شدند.

هدایت شدگان نیز مورد خطرند و باید دائماً از خدا بخواهیم که مسیر ما، به غضب و گمراهی کشیده نشود.

در قرآن، افرادی همانند فرعون و قارون و ابولهب و امت‌هایی همچون قوم عاد، ثمود و بنی اسرائیل، به عنوان غضب‌شدگان معرفی شده‌اند.

در آیات متعددی از قرآن ویژگی‌های گمراهان و غضب‌شدگان و مصادیق آنها بیان شده است که برای نمونه به موارد ذیل اشاره می‌شود:

- منافقان و مشرکان و **بدگمانان به خداوند**.
- کافران به آیات الهی و قاتلان انبیاء الهی.

- اهل کتاب که در برابر دعوت به حق سرکشی کرده‌اند.
 - فراریان از جهاد. انفال،
 - پذیرندگان و جایگزین کنندگان کفر با ایمان.
 - پذیرندگان ولایت دشمنان خدا و دوستداران رابطه‌ی با دشمنان خدا.
- کسانی که مردم را از راه خدا باز می‌دارند، کسانی که به خدا یا رسول خدا توهین می‌کنند، آنان که حق را کتمان می‌کنند و کسانی که از رحمت خدا مأیوسند.
- در قرآن نام برخی به عنوان گمراه کننده آمده است، از قبیل: ابلیس، فرعون، سامری، دوست بد، رؤسا و نیاکان منحرف.
- گمراهان خود بستر وزمینه‌ی انحراف را فراهم و گمراه کنندگان از این بسترها و شرایط آماده، استفاده می‌کنند. بسترهای انحراف در قرآن عبارتند از: 1. هوسها، 2. بت‌ها، 3. گناهان، 4. پذیرش ولایت باطل، 5. جهل و نادانی.
1. انسان در تربیت، نیازمند الگو می‌باشد. انبیا، شهدا، صدیقین و صالحان، نمونه‌های زیبای انسانیت‌اند. «صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ»

گزیده آیات:

- بسم الله الرحمن الرحيم «1»
- إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ «5»
- اهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ «6»: (خداوندا!) ما را به راه راست هدایت فرما.

صفات پسندیده و مذموم معرفی شده:

- _ بر زبان آوردن «بِسْمِ اللَّهِ» در شروع هر کاری سفارش شده است؛ در خوردن و خوابیدن و...
- _ به یاد داشتن خدا در هر کاری و نیت خدایی در تمام کارها
- _ شکر خدا با دیدن هر زیبایی
- _ تنها یاری خواستن از خدا
- _ انسان هم در انتخاب راه و هم در تداوم آن باید هر لحظه از خدا کمک بخواهد.
- _ رعایت اعتدال در هر کاری (هم در عقاید هم در عمل)

به خود مطمئن نباشیم و در هر حالی از خداوند کمک بخواهیم.

روایات و احادیث مرتبط:

حضرت علی علیه السلام فرمود: «بِسْمِ اللَّهِ»، مایه برکت کارها و ترک آن موجب نافرجامی است.

در تفسیر قرطبی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: «بِسْمِ اللَّهِ» تاج سوره‌هاست.

تنها در آغاز سوره برائت (سوره توبه) «بِسْمِ اللَّهِ» نیامده و این به فرموده حضرت علی علیه السلام به خاطر آن است که «بِسْمِ اللَّهِ» کلمه امان و رحمت است، و اعلام برائت از کفار و مشرکان، با اظهار محبت و رحمت سازگار نیست.

(ای پیامبر!) نمی‌دانی روز دین چه روزی است؟ روزی که هیچ کس برای کسی کارآیی ندارد و آن روز تنها حکم و فرمان با خداست.

حتی رسول الله صلی الله علیه و آله و ائمه اطهار علیهم السلام از خداوند ثابت ماندن در راه مستقیم را می‌خواهند.